

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن – المان

اجیر بیگانه پرست

در سینه ، دل از غم نهان ، میسوزد
وز زخم زبان ، این و آن ، میسوزد
شد آب ، مفاصل همچو سیماب ، بسی
خون و رگ و مغز استخوان ، میسوزد
در هجر و ، فراق و ، غربت و ، تنهایی
هم روح و روان و جسم و جان ، میسوزد
بی یار و ، رفیق و ، مونس و ، بی همدم
هم طاقت و تاب و ، هم توان ، میسوزد
در دوی و ، توکیو و ، پاریس مرا
آرامش و ، راحت زمان ، میسوزد
آسایشی ملک دیگران را چه کنم
مادروطن از فراق مان ، میسوزد
بانان و لباس و خانه و ، پول حرام
شخصیت ما ، امان امان ، میسوزد
ای هموطنان ! همه به پا برخیزید
آن مادر خوب و مهربان ، میسوزد

نه شهر و نه خانه ماند و نه باغ و چمن
 یعنی که ، زمین و آسمان ، میسوزد
 هم بید و چنار و هم سپیدار و بلوط
 سنگ و گل و خشت و چوب آن ، میسوزد
 برگ و گل و رنگ و بو و هم ریشه و خاک
 با لاله و ، یاس و ، ارغوان ، میسوزد
 روید چمن چمن به هر شهر ، تفنگ
 پسکوچه و ، کوچه و ، دکان ، میسوزد
 یوم البترست و نیست ، یوم البهتر
 تاروز قیامت ، همچنان ، میسوزد
 حالا که وطن به چنگ چند دیوانه
 هشیار چگونه در میان ، میسوزد
 قانون شکنی ، گر حافظ قانون شد
 شورا و سنا و پارلمان ، میسوزد
 از خشکه مقدسان چرکیده دهن
 حرف و سخن و گپ و بیان ، میسوزد
 هر ناکس و کس ، به کُرسی جمهوری
 چسپیده و ، آب رو ، عیان ، میسوزد
 تا آنکه شود ، رئیس جمهور وطن
 گر مانعی بود در میان ، میسوزد
 کاندیدی هر ، یکی ازین بیخردان
 ظلمیست که خرد و هم کلان ، میسوزد
 اطفال یتیم و ، بیوه و ، معیوبین
 مرد و زن و ، پیر و هم جوان ، میسوزد
 از جور دوسه اجیر بیگانه پرست
 باراکت و توپ و بم چه سان ، میسوزد
 این بد کُنشان ، که فاقد ایمانند
 وجدان ، چه مفت و رایگان ، میسوزد

تمثيل گران، فلم تزوير و ريا
هريك به طريقي داستان، ميسوزد
بنگر چه نمايشي، نمودند، به پا
آيات محبتِ جنان، ميسوزد
پيغمبر و، دين و، مذهب و، فصل و، كتاب
يك يك، ز جفاي ناكسان، ميسوزد
(گلبدين) و نوكران و باداران
كردند چها كه اين جهان، ميسوزد
«نعمت» به سخن، حقيقتي پيچيده
گر باز كند، لب و دهان، ميسوزد